

دانشنامه زبان و ادب فارسی

ذیل دوم

آذر یزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم

به سرپرستی

مسعود جعفری جزی

تهران ۱۴۰۴

دانشنامه زبان و ادب فارسی

جلد هشتم (ذیل ۲)

چاپ اول: ۱۴۰۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چاپ و صحافی: هدف

مدیر فنی چاپ: حمیدرضا دمیرچی

همه حقوق برای فرهنگستان زبان و ادب فارسی محفوظ است

ناشر: فرهنگستان زبان و ادب فارسی

تهران، بزرگراه شهید حقانی، مجموعه فرهنگستان‌ها، بلوار دکتر حسن حبیبی، تلفن: ۸۸۶۴۲۳۳۹-۶۸

کدپستی: ۱۵۳۸۶۳۳۱۱۰؛ صندوق پستی: ۶۳۹۴-۱۵۸۷۵

قیمت: ۱۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه	سعدت، اسماعیل، ۱۳۰۴-۱۳۹۹.
عنوان و نام پدیدآور	دانشنامه زبان و ادب فارسی / به سرپرستی اسماعیل سعدت.
مشخصات نشر	تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	ج: ۲۲×۲۸ س م.
فروست	فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱.
شابک	دوره: 964-7531-26-5؛ ج. ۱: 964-7531-40-0؛ ج. ۲: 964-7531-62-1؛ ج. ۳: 978-964-7531-90-0؛ ج. ۴: 978-600-6143-21-7؛ ج. ۵: 978-964-7531-90-0؛ ج. ۶: 978-600-6143-83-5؛ ج. ۷: 978-600-8735-23-6؛ ج. ۸: 978-622-5305-72-4.
وضعیت فهرست‌نویسی	فابا
یادداشت	جلد هشتم به سرپرستی مسعود جعفری جزی.
یادداشت	ص.ع. به انگلیسی: Esmā'il Sa'adat. Encyclopaedia of Persian language and literature
یادداشت	ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).
یادداشت	ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۸۸).
یادداشت	ج. ۴ (چاپ اول: ۱۳۹۱).
یادداشت	ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیا).
یادداشت	ج. ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیا).
یادداشت	ج. ۷ (چاپ اول: ۱۳۹۷) (فیا).
یادداشت	ج. ۸ (چاپ اول: ۱۴۰۴) (فیا).
مندرجات	ج. ۱. آب - برزویه. ج. ۲. برندق خجندی - حیرتی تونی. ج. ۳. خارزنجی - سنایی غزنوی. ج. ۴. سندبادنامه - فردوسی. ج. ۵. فردوسی ثانی - مسرور طالقانی. ج. ۶. مسعود، محمد - یونس. ج. ۷. ذیل: آتشی، منوچهر - یونکر، هاینریش. ج. ۸. ذیل ۲: آذریزدی، مهدی - یونسی، ابراهیم.
موضوع	ادبیات فارسی - دایرةالمعارفها.
موضوع	دایرةالمعارفها و واژه‌نامه‌ها.
شناسه افزوده	فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۴ ۲ ۷ س / PIR ۳۳۲۱
رده‌بندی دیویی	۸۰۳ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۱۶۶۸۱ م

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۰۵-۷۲-۴ (ج ۸. ذیل ۲) ISBN 978-622-5305-72-4 (vol.8 Supplement II)

ISBN 964-7531-26-5 (set)

شابک ۹۶۴-۷۵۳۱-۲۶-۵ (دوره)

پذیرفته شد و پس از یک سال کار آزمایشی، به صورت رسمی به استخدام اداره فرهنگ درآمد و در دبیرستانهای مشهد به تدریس زبان عربی پرداخت (نک: مسرت، ص ۷؛ پروین گنابادی، «خدیو جم، حسین»، همان جا).

با تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد در سال ۱۳۳۴ش، در شمار نخستین دانشجویان دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، وارد دانشگاه شد و پس از چهار سال آن را با موفقیت به پایان برد. او هم دوره علی شریعتی بود و در دانشگاه از محضر استادانی چون علی اکبر فیاض* و غلامحسین یوسفی* و در خارج از دانشگاه نیز از محضر محمود فرخ* بهره برد. پس از فارغ التحصیلی، دوره کتابداری دانشسرای عالی مشهد را نیز پشت سر گذاشت و یکی دو سال دیگر به تدریس در دبیرستانهای مشهد ادامه داد. در ۱۳۴۰ش به منظور درمان بیماری آسم و نیز حضور در محیط علمی و فرهنگی بارورتر به تهران نقل مکان کرد. مدتی در چند دبیرستان به تدریس پرداخت. در آبان همان سال، به کتابخانه ملی منتقل شد. در آنجا ضمن آشنایی با ایرج افشار*، تحت حمایت و تشویق او قرار گرفت (نک: مسرت، ص ۷-۸؛ پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، ص ۱۲۲؛ همو، «خدیو جم، حسین»، همان جا؛ افشار، ص ۸۱۹).

اشتغال در کتابخانه ملی موجب شد او به مجامع علمی کشور راه یابد و در نشستهای فرهنگی و ادبی آن روزگار شرکت کند؛ همچنین با آمد و شد به دفتر مجله‌های سخن، یغما، راهنمای کتاب، نگین و وحید، با طیف گسترده‌ای از استادان بزرگ و شاعران جوان دوست و همنشین شد. در این میان، پرویز ناتل خانلری* و علی دشتی* بیش از همه در رشد و پیشرفت او مؤثر بودند (پروین گنابادی، «خدیو جم، حسین»، همان جا؛ افشار، همان جا).

خدیو جم از سال ۱۳۴۴ش در بنیاد فرهنگ ایران، زیر نظر پرویز ناتل خانلری، به کار مشغول شد و افزون بر کتابخانه وسیع آن سازمان، از دانش و تجربه همکارانش بهره برد. همچنین به کتابخانه مینوی رفت و آمد داشت و در حلقه «اصحاب چهارشنبه» که هر هفته در مدرسه سپهسالار گرد هم جمع می‌شدند، حضور می‌یافت و در آنجا از محضر استادانی چون احمد آرام*، حبیب یغمایی*، سید محمد فرزانه*، سید جعفر شهیدی*، مهدی محقق، محمد معین* و... بهره می‌برد و از همنشینی با آنان به آشناییهای تازه دست می‌یافت (افشار، ص ۸۲۰؛ مسرت، ص ۹-۱۰؛ پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، همان جا؛ اتحاد، ج ۵، ص ۲۲۷).

خدیو جم در اواسط دهه چهل، در سفری به لبنان، در

انحنای تراژیک (نظر و گذری بر سه کتاب طنز سیدحسن حسینی)، کرج، ۱۳۹۵ش؛ معین‌الدینی، فاطمه، «جلوه‌های رمانتیسیم در شعر مقاومت سیدحسن حسینی»، پژوهشنامه ادب غنایی، ش ۱۸، سیستان و بلوچستان، بهار-تابستان ۱۳۹۱ش؛ میرجعفری، اکبر، «در آینه»، نک: شمشیر باستانی شرق؛ هنرجو، حمید، سید شاعران انقلاب اسلامی (نگاهی به اندیشه‌ها و آثار سیدحسن حسینی)، تهران، ۱۳۹۲ش. احمد پورصدری

خدیو جم، سید حسین. پژوهشگر، مصحح و مترجم معاصر. در سال ۱۳۰۶ش در مشهد به دنیا آمد. اصل و نسب او به سادات میرزینل خان اشکذر می‌رسد. پدرش، سید محمدعلی، از اهالی اشکذر یزد بود که به مشهد مهاجرت کرده و در این شهر اقامت گزیده بود. در پنج سالگی او را برای آموختن قرآن به مکتب‌خانه‌ای زنانه فرستادند. پس از دو سال، در مکتب‌خانه‌ای دیگر، خواندن و نوشتن را فراگرفت و کتابهای آموزشی رایج آن زمان همچون نصاب‌الصبيان و کلیله و دمنه* را آموخت و بوستان* و گلستان* سعدی و غزلیات حافظ* را خواند و از بر کرد. سپس، به مدرسه «بدر» رفت، اما رفتار تبعیض‌آمیز اولیای مدرسه و اختلاف طبقاتی هم‌کلاسیها، به تنفر او از مدرسه انجامید. در این میان، تنگنای مالی خانواده‌اش شدت گرفت؛ به ناچار مدرسه را رها کرد و در کارگاه نجاری مشغول به کار شد. با درگذشت پدر و نابسامانی بیشتر اوضاع مالی خانواده، مجبور شد بیشتر کار کند و تا بیست سالگی به حرفه‌هایی چون میل‌سازی، بنایی و برآزی اشتغال ورزد. در ۱۳۲۵ش، همراه مادر و برادرش به زیارت عتبات عالیات رفت و مدت هفت ماه در عراق به سر برد و با زبان محاوره عربی آشنا شد. این سفر انگیزه‌ای شد برای آموختن زبان عربی؛ چنان‌که پس از بازگشت، با اشتیاق به فراگیری این زبان روی آورد و دو سال در جلسات درس تفسیر مجمع‌البیان سید هاشم میردامادی (نجف‌آبادی) در مسجد گوهرشاد شرکت کرد.

خدیو جم از ۱۳۲۷ش، در مهدیه حاجی عابدزاده به تدریس زبان عربی به جوانان بازاری و دانش‌آموزان دبیرستان پرداخت. او شبها نزد یکی از دانشجویانش، حساب و هندسه و تاریخ و جغرافیا می‌آموخت، تا اینکه در ۱۳۲۹ش امتحانات ششم ابتدایی را با موفقیت پشت سر گذاشت. سپس، به تحصیل خود ادامه داد و در ۱۳۳۱ش موفق به دریافت دیپلم ادبی شد (نک: مسرت، ص ۵-۶؛ پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، ص ۱۲۱؛ همو، «خدیو جم، حسین»، ج ۱۵، ص ۲۴۹؛ باقرزاده، ص ۸۳-۸۴؛ مظفری، ص ۷۱۲-۷۱۳). در ۱۳۳۰ش در آزمون استخدام اداره فرهنگ خراسان

و بنا بر وصیتش، در محوطه بیرونی بقعه‌ای که به آرامگاه غزالی معروف است، به خاک سپرده شد (افشار، ص ۸۲۱؛ آشتیانی، همان‌جا؛ مهیار، ص ۱۱۰).

خدیو جم فردی خودساخته و کوشا بود که با پشتکار و همتی ستودنی و با وجود مشکلات فراوان که از کودکی با آنها دست و پنجه نرم می‌کرد، به تحصیل و پژوهش و همنشینی با بزرگان ادب و فرهنگ نائل شد و با سخت‌کوشی و تلاش در زمره مترجمان و نویسندگان مشهور معاصر جای گرفت. در خوش‌خلقی، صمیمیت، فداکاری، گذشت و خدمتگزاری به استادان و دوستانش، شهره خاص و عام بود (نک: یوسفی، «درگذشت مردی سزاوار تحسین»، ص ۳۲؛ پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، همان‌جا؛ آشتیانی، ص ۱۲۳؛ بیهقی، ص ۱۶۳-۱۶۴؛ قیامی میرحسینی، ج ۱، ص ۲۲۴، ۳۱۴). مهدی اخوان ثالث* در ایامی که خدیو جم وابسته فرهنگی ایران در افغانستان بود، در منزل او سکونت داشت (نک: شفیع کدکنی، حالات و مقامات م. امید، ص ۸۹؛ قرایی، ص ۸۷). همچنین هنگامی که اخوان زندانی شده بود و خانواده‌ او در تنگنا بودند، خدیو جم در جلب و حمایت خانلری از اخوان و خانواده‌اش نقش بسزایی ایفا کرد (نک: مؤید شیرازی، ص ۳۵۴-۳۵۵).

گذشته از انتشار دهها مقاله در مجلات مختلف، کتابهایی نیز از خدیو جم به یادگار مانده است که می‌توان آنها را در سه دسته جای داد: ۱. تألیفات که عبارت‌اند از: روز مادر (تهران، ۱۳۴۲ش) که مجموعه‌ای است از بهترین و زیباترین قطعات نظم و نثر درباره مادر که آن را با همکاری مهستی بحرینی فراهم آورده است؛ کتاب از نظر شاعران و نویسندگان (تهران، ۱۳۴۵ش)؛ دراسات حول کتاب جوامع‌العلوم تصنیف شعیب فریغون (تهران، ۱۳۵۱ش) که به زبان عربی و برگرفته از رساله دکتری اوست؛ میراث مشترک فرهنگی در ایران و مصر (تهران، ۱۳۵۴ش) و واژه‌نامه غزلیهای حافظ (تهران، ۱۳۶۲ش) که انتشار آن انتقاداتی را نیز در پی داشت (نک: حمیدیان، ص ۴۸-۵۳؛ آجودانی، ص ۳۹-۴۸؛ نیاز کرمانی، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۶۳). ۲. ترجمه‌ها از متون کهن و معاصر عربی، شامل: عقاید فلسفی ابوالعلاء فیلسوف معره، تألیف عمر فروخ (تهران، ۱۳۴۲ش)؛ هم‌آهنگی مردم اثر احمد بن اسحاق یعقوبی (تهران، ۱۳۴۳ش) که علی‌اکبر قیاض این ترجمه را ستود (قیاض، «دکتر حسین خدیو جم»، ص ۶۸۵)؛ گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلاء معری اثر طه حسین (تهران،

دانشگاه سن‌ژوزف^۱ بیروت در مقطع دکتری رشته زبان و ادبیات عرب ثبت‌نام کرد. او ابتدا بخشی از متن عربی کتاب الخراج قدامه بن جعفر را به راهنمایی میشل آدرین^۲ برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد تصحیح کرد؛ سپس، در ۱۳۴۹ش تصحیح جوامع‌العلوم، اثر شعیب فریغون را به راهنمایی همان استاد برای رساله دکتری برگزید، اما به سبب درگذشت نخستین فرزندش، آن را نیمه‌تمام رها کرد و به ایران بازگشت (نک: پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، همان‌جا؛ همو، «خدیو جم، حسین»، ج ۱۵، ص ۲۵۰؛ مسرت، ص ۱۰).

خدیو جم به سفر علاقه داشت و آن را فرصتی برای آموختن می‌دانست؛ از این‌رو، در قالب مأموریت اداری و یا به انگیزه شرکت در کنفرانسهای بین‌المللی، به برخی کشورهای اروپایی، افریقایی و آسیایی سفر کرد (نک: خدیو جم، «مقدمه»، ص بیست‌وهفت)؛ یکی از مهم‌ترین آنها سفر به کشورهای اسلامی شمال آفریقا بود. او که از سوی وزارت فرهنگ و هنر مأموریت یافته بود درباره میراث مشترک فرهنگی کشورهای اسلامی به تحقیق بپردازد، در سفر به مصر به دیدار طه حسین ادیب و نویسنده نامدار مصری رفت و درباره ترجمه جلد سوم کتاب الایام که پیش‌تر جلدهای اول و دوم آن را ترجمه کرده بود، با او گفتگو کرد و از راهنماییهای او برای ترجمه این اثر بهره گرفت. رهاورد این سفر، جمع‌آوری برخی از نسخه‌های خطی ترجمه احیاء علوم‌الدین و کیمیای سعادت و نیز انتشار کتاب میراث مشترک فرهنگی در ایران و مصر بود (نک: مسرت، همان‌جا؛ پروین گنابادی، «یادی از پژوهشگر آثار غزالی»، همان‌جا؛ همو، «خدیو جم، حسین»، همان‌جا).

در بهمن ۱۳۵۳ش به سمت راین فرهنگی ایران در کشور افغانستان منصوب شد و با استفاده از تجربه خود در تکمیل کتابخانه ملی، کتابخانه بنیاد فرهنگ ایران و کتابخانه فرهنگستان ادب، کتابخانه‌ای بزرگ و آبرمند در کابل تأسیس کرد. همچنین مدرسه‌ای نیز بنیان نهاد که شهرت و نیکنامی او را در آن دیار در پی داشت (نک: باقرزاده، ص ۷۴-۷۵، ۷۸؛ مسرت، همان‌جا؛ آدینه‌وند، ص ۶۷-۶۸). او در اواخر سال ۱۳۵۵ش به ایران بازگشت و بازنشسته شد و از آن پس وقت خود را، به تمامی، صرف تحقیق و ترجمه و به‌ویژه، تصحیح آثار غزالی کرد. او که به بیماری آسم مبتلا بود، در اواخر عمر به بیماری دیابت نیز گرفتار شد (نک: باقرزاده، ص ۸۰؛ آشتیانی، ص ۱۲۴).

سید حسین خدیو جم در ۲۴ مهر ۱۳۶۵ش در مشهد درگذشت

ش ۲۱، تهران، فروردین-اردیبهشت ۱۳۴۳ش؛ آدینه‌وند، مسعود، سیدحسین خدیوجم، تهران، ۱۳۹۹ش؛ آشتیانی، جلال‌الدین، «یادی از خدیوجم»، کیهان اندیشه، ش ۱۴، قم، مهر-آبان ۱۳۶۶ش؛ اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، تهران، ۱۳۸۱ش؛ افشار، ایرج، «حسین خدیوجم»، آینده، س ۱۲، ش ۱۱-۱۲، تهران، بهمن-اسفند ۱۳۶۵ش؛ انزابی‌نژاد، رضا، «توضیحاتی بر ترجمه الایام»، راهنمای کتاب، س ۱۳، ش ۳-۴، تهران، خرداد-تیر ۱۳۴۹ش؛ باغ‌بی‌برگی (یادنامه مهدی اخوان ثالث «م. امید»)، به‌کوشش مرتضی کاخی، تهران، ۱۳۷۹ش؛ بساقرزاده، علی، نامه فرزانه‌گان، مشهد، ۱۳۸۷ش؛ بی‌هقی، حسینعلی، «دانشی‌مرد خودساخته»، کتاب پاز ۹، مشهد، تابستان ۱۳۷۲ش؛ پروین گنابادی، بهرام، «خدیوجم، حسین»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران، ۱۳۹۰ش؛ همو، «یادی از پژوهشگر آثار غزّالی»، اطلاعات حکمت و معرفت، س ۲، ش ۷، تهران، مهر ۱۳۸۶ش؛ حمیدیان، سعید، «کاری نه در خور حافظ»، نشر دانش، ش ۲۱، تهران، فروردین-اردیبهشت ۱۳۶۳ش؛ خدیوجم، حسین، «مقدمه»، نک: غزّالی؛ همو، «یادی از جلال آل‌احمد»، نک: یادنامه جلال آل‌احمد؛ ذاکری، م.، «کیمیای سعادت تصحیح انتقادی نشده است»، نشر دانش، س ۳، ش ۵، تهران، مرداد-شهریور ۱۳۶۲ش؛ شفیع کدکنی، محمدرضا، «انتقاد از کیمیای سعادت»، نشر دانش، س ۳، ش ۶، تهران، مهر-آبان ۱۳۶۲ش؛ همو، حالات و مقامات م. امید، تهران، ۱۳۹۱ش؛ همو، «گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلاّی معری»، راهنمای کتاب، س ۹، ش ۳، تهران، تیر ۱۳۴۵ش؛ غزّالی، محمدبن محمد، احیاء علوم‌الدّین (ربع عبادات)، ترجمه مؤیدالدّین خوارزمی، به‌کوشش حسین خدیوجم، تهران، ۱۳۸۶ش؛ قیاض، علی‌اکبر، «دکتر حسین خدیوجم»، یغما، ش ۳۱۷، تهران، بهمن ۱۳۵۳ش؛ قرایی، یدالله، چهل و چند سال با امید، تهران، ۱۳۷۰ش؛ قیامی میرحسینی، جلال، ده چهره، ده نگار، مشهد، ۱۳۷۷ش؛ مسرت، حسین، «دانشمندی که همواره دانشجو بود»، کتاب پاز ۷، مشهد، زمستان ۱۳۷۱ش؛ مظفری، مهدی، «به یاد حسین خدیوجم»، آینده، س ۱۴، ش ۹-۱۲، تهران، آذر-اسفند ۱۳۶۷ش؛ موسوی گرمارودی، علی، «آن روزها»، سخن، دوره ۲۱، تهران، تیر ۱۳۵۱ش؛ مؤید شیرازی، جعفر، «خانلری و اخوان»، نک: باغ‌بی‌برگی؛ مهیار، عباس، با خلوت گزیدگان خاک، تهران، ۱۳۷۸ش؛ نیاز کرمانی، سعید، حافظ‌شناسی، تهران، ۱۳۶۶ش؛ یادنامه جلال آل‌احمد، به‌کوشش علی دهباشی، تهران، ۱۳۶۴ش؛ یوسفی، غلامحسین، «آن روزها»، راهنمای کتاب، س ۱۲، ش ۷-۸، تهران، مهر-آبان ۱۳۴۸ش؛ همو، «درگذشت مردی سزاوار تحسین»، کیهان فرهنگی، ش ۳۲، تهران، آبان ۱۳۶۵ش؛

«Khadiv-Jam, Hoseyn», *Iranica XVI*, New York, 2021.

سلمان ساکت

خَرَدَنمای جان آفریز. رساله‌ای در ترجمه و شرح صد

سخن از سخنان علی (ع)، به همراه سخنانی در حکمت و اخلاق، اثر ابوالفضل یوسف بن علی مستوفی. از مؤلف و دوران زندگی او

۱۳۴۴ش) که شفیع کدکنی نکته‌هایی را در نقد آن متذکر شده است («گفت و شنود فلسفی در زندان ابوالعلاّی معری»، ص ۱۶۱-۱۶۵)؛ استخراج آبهای پنهانی اثر ابوبکر محمدبن الحسن الحاسب الکرجی (تهران، ۱۳۴۵ش)؛ روش تصحیح نسخه‌های خطّی اثر صلاح‌الدّین منجد (تهران، ۱۳۴۶ش)؛ مفاتیح‌العلوم اثر ابوعبدالله محمدبن احمدبن یوسف کاتب خوارزمی (تهران، ۱۳۴۷ش)؛ جبر و مقابله تألیف محمدبن موسی خوارزمی (تهران، ۱۳۴۸ش)؛ احصاء‌العلوم اثر ابونصر محمد فارابی (تهران، ۱۳۴۸ش)؛ آن روزها، زندگی‌نامه خودنوشت طه حسین، (ترجمه جلد اول و دوم، تهران، ۱۳۴۸ش؛ انتشار ترجمه هر سه جلد، تهران، ۱۳۵۰ش). این اثر که در میان ترجمه‌های خدیوجم شهرت بسزایی دارد، به نثری ساده، روان، یکدست و استوار به فارسی برگردانده شده (یوسفی، «آن روزها»، ص ۴۰۸؛ موسوی گرمارودی، ص ۱۲۳۸)، البته لغزش‌هایی نیز به آن راه یافته است (انزابی‌نژاد، ص ۳۳۷-۳۴۱)؛ ۳. تصحیح متون که عبارت‌اند از: حقایق‌الأنخبار ناصری (تهران، ۱۳۴۴ش) نوشته محمدجعفر خورموجی، ملقب به حقایق‌نگار، مورخ عصر ناصری که شرح نسبتاً مفصل وقایع دوران حکومت ناصرالدّین شاه تا سال ۱۲۸۴ق است؛ ترجمه رساله‌اضحویه ابن‌سینا (تهران، ۱۳۵۰ش)؛ کتاب الخراج و صنعة‌الکتابه اثر ابوالفرج قدامة‌بن جعفر (تهران، ۱۳۵۳ش)؛ معجم شاهنامه اثر محمدبن محمد العلوی الطوسی (تهران، ۱۳۵۳ش)؛ ترجمه احیاء علوم‌الدّین اثر مؤیدالدّین خوارزمی (تهران، ۱۳۵۱-۱۳۵۹ش)؛ کیمیای سعادت (نیمه نخست، تهران، ۱۳۵۴ش؛ دوره کامل کتاب، تهران، ۱۳۶۱ش) که البته با انتقاداتی مواجه شد (نک: ذاکری، ص ۹۹؛ شفیع کدکنی، «انتقاد از کیمیای سعادت»، ص ۳۱-۳۲)؛ جواهرالقرآن (تهران، ۱۳۶۰ش)؛ مسیر طالبی اثر ابوطالب بن محمد اصفهانی (تهران، ۱۳۵۲ش) و خاطرات ظلّ السّطان (تهران، ۱۳۶۸ش) که بعد از درگذشت او به چاپ رسید. او چندین بخش از ترجمه احیاء علوم‌الدّین و کیمیای سعادت را به صورت جداگانه نیز منتشر کرد. همچنین در آماده‌سازی و انتشار چند کتاب؛ از جمله، نامه‌های عین‌القضات همدانی (بیروت، ۱۹۶۹م)، هفتادسالگی فرخ (تهران، ۱۳۴۴ش) و روضه خلد (تهران، ۱۳۴۵ش) مشارکت داشت. او همچنین، به پیشنهاد جلال آل‌احمد* و به یاری او، بر آن بود ترجمه‌ای روان و زیبا از قرآن فراهم آورد که جوان‌پسند باشد، اما پس از مرگ جلال، آن را نیمه‌کاره رها کرد (نک: خدیوجم، «یادی از جلال آل‌احمد»، ص ۳۲۸-۳۲۹؛ «خدیوجم»، ص ۴۳۳). منابع: آجودانی، ماشاءالله، «بررسی واژه‌نامه حافظ»، نشر دانش،